Volume 24, Issue 1 (January- February 2025)

PAYESH

Journal of the Iranian Institute for Health Sciences Research

Behavioral challenges and attachment in Iranian adoptive families: A qualitative phenomenological investigation

Mahdi Anbari[1], Mohd Nazri Bin Abdul Rahman[1*]

1. Department of Educational Psychology and Counseling, Faculty of Education, University Malaya, Malaysia

Received: 18 October 2024
Accepted for publication: 15 February 2025
[EPub a head of print-26 February 2025]
Payesh: 2025; 24(1): 81- 94

Abstract

Objective(s): This study aimed to explore the behavioral challenges and attachment issues faced by adopted children in Iranian adoptive families, examine how adoptive parents respond to these challenges, and investigate the parents' perceptions of attachment. The study thought to offer practical recommendations for improving support systems in post-adoption care.
Methods: A qualitative, phenomenological approach was employed, using Interpretative Phenomenological Analysis (IPA) to understand the lived experiences of four adoptive mothers in Iran. Data were collected through in-depth semi-structured interviews and analyzed with the assistance of PYTHON and MAXQDA software to identify recurring themes related to behavioral challenges, parental responses, and attachment perceptions.
Results: The research revealed that adopted children in Iran frequently face significant behavioral challenges, including attachment disorders, emotional regulation difficulties, and developmental delays, often linked to early trauma and inconsistent caregiving. Adoptive parents employ various coping strategies such as creating structured environments, seeking professional guidance, and relying on emotional support from their social networks. However, many parents struggle to form secure attachments due to societal stigma, secrecy surrounding adoption, and feelings of inadequacy.
Conclusion: This study highlighted the prevalence of behavioral challenges and attachment issues among adopted children in Iranian families, emphasizing the need for enhanced support systems, including counseling services and educational resources for adoptive families. It also calls for public awareness initiatives and policy reforms to address the psychological and emotional well-being of both adoptees and their families in Iran.
Keywords: Adoption, Behavioral Challenges, Attachment, Iranian Adoptive Families, Interpretative Phenomenological Analysis, Post-Adoption Support

[Downloaded from payeshjournal.ir on 2026-11-17]

[DOI: 10.61186/payesh.24.1.81]

[*] Corresponding author: Department of Educational Psychology and Counseling, Faculty of Education, University Malaya, Malaysia
E-mail: mohdnazri_ar@um.edu.my

پایش
نشریه پژوهشکده علوم بهداشتی جهاددانشگاهی

چالش‌های رفتاری و دلبستگی در خانواده‌های فرزندپذیر ایرانی: یک تحقیق کیفی پدیدارشناسانه

مهدی عنبری[۱]، محد نذری بن عبدالرحمن[۱*]

۱. گروه روانشناسی تربیتی و مشاوره، دانشکده آموزش، دانشگاه مالایا، مالزی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۷/۲۷
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۲۹
[نشر الکترونیک پیش از انتشار- ۸ اسفند۱۴۰۳]
نشریه پایش: ۹۴- ۸۱ :(۱)۲۴؛ ۱۴۰۳

چکیده

مقدمه: این مطالعه به بررسی چالش‌های رفتاری و مسائل دلبستگی که کودکان فرزندخوانده در خانواده‌های ایرانی با آن مواجه هستند، چگونگی پاسخ والدین فرزندپذیر به این چالش‌ها و ادراکات والدین از دلبستگی پرداخته و به دنبال ارائه توصیه‌های عملی برای بهبود سیستم‌های حمایتی در مراقبت‌های پس از فرزندخواندگی بوده است.

مواد و روش کار: یک رویکرد کیفی پدیدارشناسانه با استفاده از تحلیل پدیدارشناسی تفسیری (IPA) به‌کار گرفته شد تا تجربیات زیسته مادران فرزندپذیر در ایران درک شود. داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختارمند عمقی جمع‌آوری شدند و با استفاده از نرم‌افزارهای PYTHON و MAXQDA برای شناسایی مضمون های تکراری مربوط به چالش‌های رفتاری، پاسخ‌های والدین و ادراکات دلبستگی تحلیل شدند.

یافته ها: نتایج پژوهش نشان داد که کودکان فرزندخوانده در ایران اغلب با چالش‌های رفتاری قابل‌توجهی شامل اختلالات دلبستگی، مشکلات تنظیم هیجانی و تأخیرهای رشدی مواجه هستند. این مسائل اغلب به آسیب های روانی اولیه و مراقبت‌های ناپیوسته مرتبط هستند. والدین فرزندپذیر از راهبردهای مقابله‌ای مختلفی مانند ایجاد محیط‌های ساختارمند، جستجوی راهنمایی حرفه‌ای و اتکا به حمایت‌های عاطفی شبکه‌های اجتماعی خود استفاده می‌کنند. با این حال، بسیاری از والدین به دلیل انگ اجتماعی، پنهان‌کاری در مورد فرزندخواندگی و احساس ناکارآمدی، در ایجاد دلبستگی ایمن با فرزندان خود دچار مشکل هستند.

نتیجه‌گیری: این مطالعه بر شیوع چالش‌های رفتاری و مسائل دلبستگی در میان کودکان فرزندخوانده در خانواده‌های ایرانی تأکید داشته و بر لزوم تقویت سیستم‌های حمایتی از جمله خدمات مشاوره‌ای و منابع آموزشی برای خانواده‌های فرزندپذیر تأکید نمود. همچنین مطالعه حاضر بر لزوم ایجاد برنامه‌های آگاهی‌بخشی عمومی و اصلاح سیاست گذاری برای ارتقای سلامت روانی و عاطفی کودکان فرزندخوانده و خانواده‌های آنان در ایران تأکید نمود.

واژگان کلیدی: فرزندخواندگی، چالش‌های رفتاری، دلبستگی، خانواده‌های فرزندپذیر ایرانی، تحلیل پدیدارشناسی تفسیری، حمایت پس از فرزندخواندگی

کداخلاق: UM.TNC2/UMREC_3195

* نویسنده پاسخگو: مالزی، دانشگاه مالایا، دانشکده آموزش، گروه روانشناسی تربیتی و مشاوره،
E-mail: mohdnazri_ar@um.edu.my

[Downloaded from payeshjournal.ir on 2026-11-17]

[DOI: 10.61186/payesh.24.1.81]

مقدمه

فرزندخواندگی به کودکانی که تجربه بی‌توجهی، سوءاستفاده یا زندگی در مراکز نگهداری را داشته‌اند، فرصت می‌دهد تا در محیطی خانوادگی و پایدار رشد کنند. در سطح جهانی، فرزندخواندگی توسط چارچوب‌های قانونی تنظیم می‌شود که هدف آن‌ها محافظت از منافع کودک است. کنوانسیون‌های بین‌المللی، از جمله کنوانسیون حقوق کودک سازمان ملل متحد (UNCRC) و کنوانسیون لاهه در مورد فرزندخواندگی، استانداردهایی را برای اطمینان از انجام فرزندخواندگی به‌صورت اخلاقی و قانونی تعیین می‌کنند. کنوانسیون حقوق کودک که در سال ۱۹۸۹ به تصویب رسید، تصریح می‌کند که هر کودک حق دارد در یک محیط خانوادگی رشد کند و کشورها موظفند در روند فرزندخواندگی منافع عالی کودک را در اولویت قرار دهند[۱]. به همین ترتیب، کنوانسیون لاهه در سال ۱۹۹۳ قانون فرزندخواندگی بین‌المللی را تنظیم کرد تا از قاچاق کودکان جلوگیری کرده و در طول فرآیند فرزندخواندگی از کودکان محافظت کند [۲].

در ایران، فرزندخواندگی تحت اصول قانونی و مذهبی، به‌ویژه در چارچوب قوانین اسلامی، مدیریت می‌شود. مفهوم اسلامی کفالت، یک سیستم سرپرستی است که امکان مراقبت از کودکان را بدون قطع پیوندهای بیولوژیکی آن‌ها با خانواده‌هایشان فراهم می‌کند [۳]. این امر در تضاد با مدل‌های فرزندخواندگی غربی است که در آن پیوندهای قانونی و خانوادگی بین کودک و خانواده زیست شناختی او معمولاً قطع می‌شود [۴]. قانون فرزندخواندگی سال ۱۹۷۴ که در سال ۲۰۱۳ اصلاح شد، فرایند فرزندخواندگی در ایران را تنظیم می‌کند. این اصلاحات شامل گسترش شرایط صلاحیت برای فرزندخواندگی به زنان مجرد و ساده‌سازی روند فرزندخواندگی بود، درحالی‌که حفاظت‌های بیشتری برای کودکان فرزندخوانده فراهم می‌کرد [۵،۶]. با وجود این اصلاحات قانونی، فرزندخواندگی در ایران همچنان با پیچیدگی‌های عاطفی، قانونی و اجتماعی روبرو است. کودکان فرزندخوانده در ایران، همچون همتایان جهانی خود، اغلب با چالش‌های رفتاری قابل‌توجهی مواجه هستند که بسیاری از آن‌ها ریشه در تجربه‌های پیش از فرزندخواندگی مانند آسیب های اولیه، بی‌توجهی یا مراقبت‌های ناپیوسته دارند. این تجربیات غالباً منجر به اختلالات دلبستگی، بی‌نظمی عاطفی و تأخیرهای رشدی می‌شود [۷]. تحقیقات نشان می‌دهد که این کودکان ممکن است در ایجاد پیوندهای عاطفی امن با والدین فرزندپذیر خود دچار مشکل شوند که این امر به رفتارهای مقابله‌ای، اضطراب و مشکلات اجتماعی منجر می‌شود [۸]. در بافت ایرانی که فرزندخواندگی اغلب به دلیل تأکید فرهنگی بر نسب زیست شناختی انگ‌زده است، این چالش‌ها می‌توانند تشدید شوند [۹]. بسیاری از خانواده‌ها ترجیح می‌دهند فرایند فرزندخواندگی را مخفی نگه دارند، زیرا از قضاوت‌های اجتماعی و تبعیض‌ها هراس دارند که این امر می‌تواند بیشتر به حس هویت و تعلق کودک آسیب برساند [۱۰،۱۱].

علاوه بر چالش‌هایی که کودکان فرزندخوانده با آن مواجه هستند، والدین فرزندپذیر در ایران نیز اغلب با مشکلات روانی و عاطفی دست و پنجه نرم می‌کنند. پیوند دلبستگی بین والدین و کودک برای رشد روانی سالم بسیار مهم است. با این حال، والدین فرزندپذیر در ایران به طور مداوم با فشارهای اجتماعی، احساسات ناکارآمدی و عدم اطمینان در نقش‌های والدگری خود مواجه هستند [۱۲]. مخفی‌کاری پیرامون فرزندخواندگی می‌تواند از برقراری ارتباط آزاد در خانواده جلوگیری کند و والدین را در رسیدگی به نیازهای عاطفی و رفتاری کودکان خود دچار مشکل سازد. عدم وجود خدمات حمایتی پس از فرزندخواندگی مانند مشاوره و آموزش والدین نیز مسئله‌ای است که در ایران محدود باقی مانده است [۱۳].

این مطالعه با هدف بررسی و پرداختن به چالش‌های مرتبط با فرزندخواندگی، به تحلیل مسائل رفتاری کودکان فرزندخوانده در خانواده‌های ایرانی، واکنش‌های مادران فرزندپذیر نسبت به این چالش‌ها و ادراکات آن‌ها از دلبستگی پرداخت. اهداف این پژوهش عبارت بودند از: (۱) درک ماهیت چالش‌های رفتاری تجربه‌شده توسط کودکان فرزندخوانده در ایران، (۲) بررسی واکنش‌های عاطفی و عملی مادران فرزندپذیر در مواجهه با این چالش‌ها و (۳) تحلیل نحوه درک مادران فرزندپذیر از دلبستگی و مدیریت ارتباطات عاطفی با کودکان فرزندخوانده.

با تمرکز بر این حوزه‌های حیاتی، این پژوهش به دنبال ارائه بینش‌های عملی برای روانشناسان، مددکاران اجتماعی، متخصصان سلامت روان و سیاست‌گذاران بوده و هدف آن اطلاع‌رسانی در زمینه توسعه سیستم‌های حمایتی قوی‌تر برای خانواده‌های فرزندپذیر در ایران، از جمله خدمات آموزشی و مشاوره‌ای بود که به نیازهای خاص کودکان فرزندخوانده توجه داشته باشد. به علاوه این پژوهش راهنمایی‌هایی برای سیاست‌گذاران ارائه می‌دهد تا آگاهی عمومی را افزایش دهند و اصلاحات سیاست گذاری را در زمینه

[Downloaded from payeshjournal.ir on 2026-11-17]
[DOI: 10.61186/payesh.24.1.81]

بهزیستی روانی و عاطفی کودکان فرزندخوانده و خانواده‌های آن‌ها در ایران ارتقا دهند. پرداختن به این مسائل برای اطمینان از اینکه فرزندخواندگی در ایران به‌طور بالقوه بتواند محیطی امن، پرورشی و حمایتی برای کودکانی که تجربیات سخت اولیه داشته‌اند، فراهم کند، ضروری است [۱۴،۱۵].

فرزندخواندگی در ایران تحت تأثیر قوانین اسلامی و قوانین ملی قرار دارد. مفهوم کفالت در قانون اسلامی، نوعی سرپرستی است که از کودکان محافظت کرده و از قطع پیوندهای خانوادگی زیست شناختی آن‌ها جلوگیری می‌کند [۳]. برخلاف سیستم‌های فرزندخواندگی غربی که پیوندهای قانونی کودک با خانواده زیست شناختی او را از بین می‌برند، کفالت این پیوندها را حفظ می‌کند و به همین دلیل، فرزندخواندگی در ایران از نظر قانونی و اجتماعی با کشورهای دیگر متفاوت است [۴]. اصلاحات قانون فرزندخواندگی در سال ۲۰۱۳ چارچوب قانونی را گسترش داد تا زنان مجرد نیز بتوانند فرزندخوانده بگیرند و اصلاحاتی در روند اجرایی ایجاد کرد و حمایت‌های بیشتری برای خانواده‌های فرزندپذیر فراهم آورد [۶]. با این حال، به رغم این پیشرفت‌ها، انگ‌های فرهنگی و برداشت‌های اجتماعی همچنان برای خانواده‌های فرزندپذیر چالش‌هایی ایجاد می‌کند. پنهان‌کاری پیرامون فرزندخواندگی در ایران یک مسئله محوری است که هم فرایند فرزندخواندگی و هم پویایی‌های خانوادگی پس از آن را پیچیده‌تر می‌کند. به دلیل تأکید اجتماعی بر نسب زیست شناختی، بسیاری از خانواده‌ها ترجیح می‌دهند فرزندخواندگی را مخفی نگه دارند تا از قضاوت یا تبعیض اجتماعی جلوگیری کنند [۹]. این پنهان‌کاری اغلب مانع از توسعه پیوندهای دلبستگی امن بین والدین و کودکان فرزندخوانده می‌شود، زیرا می‌تواند از ارتباط آزاد جلوگیری کند و احساس ناکارآمدی را در والدین و کودکان تقویت کند [۱۰]. کودکان فرزندخوانده در ایران، مشابه سایر کشورها، اغلب با چالش‌های رفتاری قابل‌توجهی مواجه هستند. تجربیات پیش از فرزندخواندگی مانند بی‌توجهی، آسیب‌های روانی اولیه و مراقبت‌های ناپیوسته، می‌توانند تأثیرات روان‌شناختی طولانی‌مدتی بر جای بگذارند. این کودکان بیشتر در معرض خطر اختلالات دلبستگی، بی‌نظمی عاطفی و مشکلات رفتاری هستند[۷]. آسیب‌های روانی اولیه به شرایطی اطلاق می‌شود که فرد در مواجهه با تجربیات آسیب‌زا و شدید، احساس تهدید و ناامنی می‌کند و این تجربیات می‌توانند تأثیرات بلندمدتی بر سلامت روانی او بگذارند. این آسیب‌ها ممکن است ناشی از تجربیات خشونت، سوءاستفاده، محرومیت یا طرد شدن، تصادف‌های جدی یا فقدان‌های شدید باشد. مطالعات نشان داده است که هرچه شدت و مدت آسیب و محرومیت اولیه بیشتر باشد، احتمال بروز مشکلات رفتاری و عاطفی طولانی‌مدت در کودکان افزایش می‌یابد[۱۶]. در بافت ایرانی، مشکلات رفتاری در فرزندخوانده‌ها ممکن است به صورت رفتارهای مقابله‌ای، اضطراب و تأخیرهای رشدی ظاهر شود [۸]. استرس ناشی از پنهان‌کاری و انگ اجتماعی این چالش‌های رفتاری را پیچیده‌تر می‌کند. بدون گفتگوهای آزاد درباره وضعیت فرزندخواندگی، فرزندخوانده‌ها ممکن است با مسائل هویتی و احساس طردشدگی دست و پنجه نرم کنند [۱۵]. این عدم شفافیت اغلب رشد عاطفی آن‌ها را مختل کرده و مشکلات دلبستگی را تشدید می‌کند [۱۴]. نظریه دلبستگی که توسط جان بالبی توسعه یافت و بعدها توسط مری آینزورث گسترش داده شد، چارچوبی برای درک پیوندهای عاطفی بین کودکان و مراقبان آن‌ها فراهم می‌کند [۱۷]. طبق این نظریه، کودکان به‌طور زیست شناختی برنامه‌ریزی شده‌اند تا برای بقا، پیوندهای دلبستگی با مراقبان اصلی خود برقرار کنند. دلبستگی‌های ایمن، زمانی شکل می‌گیرند که مراقبان به‌طور مداوم نیازهای عاطفی و فیزیکی کودک را برآورده کنند و به‌عنوان پایه‌ای برای رشد عاطفی کودک عمل می‌کنند [۱۸]. آزمایش وضعیت عجیب آینزورث، سبک‌های دلبستگی را به چهار دسته تقسیم کرد: دلبستگی ایمن، اجتنابی، دوسوگرا و آشفته [۱۶]. کودکان با دلبستگی ایمن، اعتماد به مراقب خود دارند و نتایج عاطفی و اجتماعی سالم‌تری کسب می‌کنند. در مقابل، کودکان با سبک‌های دلبستگی ناایمن یا آشفته ممکن است در تنظیم عواطف و شایستگی‌های اجتماعی مشکل داشته باشند و ممکن است رفتارهایی مانند اضطراب و پرخاشگری از خود نشان دهند [۱۹]. برای کودکان فرزندخوانده، به‌ویژه کسانی که آسیب های روانی اولیه یا مراقبت‌های سازمانی را تجربه کرده‌اند، ایجاد دلبستگی‌های ایمن دشوارتر است. عدم وجود مراقبت‌های پیوسته در سال‌های اولیه می‌تواند به سبک‌های دلبستگی ناایمن منجر شود که با طیفی از مشکلات عاطفی و رفتاری مرتبط است [۸]. در بافت ایرانی، پنهان‌کاری پیرامون فرزندخواندگی می‌تواند بیشتر مانع ایجاد دلبستگی‌های ایمن شود، زیرا از درک کامل کودک از هویت و جایگاه او در خانواده جلوگیری می‌کند [۲۰].

توانایی ایجاد دلبستگی‌های ایمن تأثیر مستقیمی بر رشد عاطفی و رفتاری کودک دارد. کودکانی که دلبستگی ایمن دارند، بهتر

[Downloaded from payeshjournal.ir on 2026-11-17]
[DOI: 10.61186/payesh.24.1.81]

می‌توانند استرس را مدیریت کنند، عواطف خود را تنظیم کرده و روابط سالمی ایجاد کنند [۱۲]. در مقابل، کودکانی که دلبستگی ناایمن دارند، به‌ویژه آن‌هایی که پس از تجربه آسیب های روانی اولیه فرزندخوانده شده‌اند، بیشتر با چالش‌های رفتاری مانند بی‌نظمی عاطفی، پرخاشگری و مشکلات اعتماد روبرو می‌شوند [۱۱]. اختلالات دلبستگی، مانند اختلال دلبستگی واکنشی، به‌ویژه در کودکانی که آسیب های روانی اولیه قابل‌توجهی را تجربه کرده‌اند، شایع است [۷]. کودکانی با RAD اغلب به مراقبان خود اعتماد نمی‌کنند، در ایجاد ارتباطات عاطفی مشکل دارند و ممکن است رفتارهای پرخاشگرانه یا منزوی از خود نشان دهند. این مشکلات به دلیل کمبود خدمات حمایتی پس از فرزندخواندگی در ایران تشدید می‌شود و بسیاری از والدین فرزندپذیر را در مدیریت نیازهای پیچیده عاطفی فرزندانشان ناتوان می‌سازد [۱۳].

عوامل فرهنگی نقش مهمی در شکل‌دهی تجربه فرزندخواندگی در ایران ایفا می‌کنند. تأکید اجتماعی بر نسب زیست شناختی و انگ‌های مرتبط با والدگری غیرزیست شناختی محیطی را ایجاد می‌کند که فرزندخواندگی اغلب در آن با پنهان‌کاری همراه است [۳]. این پنهان‌کاری نه تنها بر توانایی کودک در ایجاد دلبستگی‌های ایمن تأثیر می‌گذارد، بلکه به سردرگمی هویتی و استرس عاطفی در بزرگسالی فرزندخوانده‌ها نیز منجر می‌شود [۱۰]. علاوه بر این، کمبود آگاهی عمومی و پذیرش فرزندخواندگی در ایران، دسترسی به خدمات حمایتی پس از فرزندخواندگی مانند مشاوره یا مداخلات درمانی را محدود می‌کند. این خدمات برای کمک به کودکان و والدین در مدیریت پیچیدگی‌های عاطفی فرزندخواندگی بسیار حیاتی هستند [۶]. در حالی که کشورهایی با نگرش‌های بازتر نسبت به فرزندخواندگی، مانند ایالات متحده و بریتانیا، خدمات گسترده پس از فرزندخواندگی ارائه می‌دهند، خانواده‌های ایرانی اغلب تنها به تاب‌آوری عاطفی خود و شبکه‌های حمایتی غیررسمی تکیه می‌کنند [۱۱]. با درک تلاقی چالش‌های رفتاری، نظریه دلبستگی و زمینه فرهنگی منحصر به فرد فرزندخواندگی در ایران، این مطالعه بینش‌های ارزشمندی در مورد تجربیات روانشناختی و عاطفی خانواده‌های فرزندپذیر ارائه می‌دهد. چارچوب ارائه‌شده در نظریه دلبستگی بر اهمیت مراقبت پیوسته و ایمن در تقویت بهزیستی عاطفی فرزندخوانده‌ها تأکید می‌کند و همچنین به نیاز حیاتی به حمایت‌های نهادی و افزایش آگاهی عمومی در سیستم فرزندخواندگی ایران اشاره دارد.

مواد و روش کار

این مطالعه بخشی از مطالعه "چالش‌های رفتاری فرزندخواندگان در خانواده‌های فرزندپذیر ایرانی و بررسی چگونگی واکنش والدین فرزندپذیر به چنین چالش‌های رفتاری" است. این مطالعه از یک طراحی پژوهش کیفی با استفاده از تحلیل پدیدارشناسی تفسیری (IPA) برای کسب بینش عمیق در مورد چالش‌های رفتاری کودکان فرزندخوانده در خانواده‌های ایرانی و درک نحوه ادراک و مدیریت دلبستگی توسط مادران فرزندپذیر استفاده کرده است. تحلیل پدیدارشناسی تفسیری به‌ویژه برای بررسی تجربیات زیسته افراد مؤثر است و به محققان اجازه می‌دهد تا پیچیدگی‌های روان‌شناختی و عاطفی آن‌ها را با جزئیات بیشتر درک کنند[۲۱،۲۲]. رویکرد کیفی با هدف این پژوهش همخوانی دارد، زیرا قصد دارد تجربیات ذهنی مادران فرزندپذیر و تأثیرات زمینه‌های اجتماعی بر پویایی‌های خانواده آن‌ها را به تصویر بکشد. فرایند شناسایی مشارکت کنندگان، توضیح طرح، دریافت رضایت نامه، مصاحبه، پیاده سازی مصاحبه ها و کنترل متن مصاحبه با مشارکت کنندگان در بازه زمانی شهریور ماه تا بهمن ماه ۱۴۰۲ بوده است. شرکت‌کنندگان از طریق نمونه‌گیری هدفمند و از میان مادران فرزندپذیری که بر اساس قوانین سازمان بهزیستی ایران کودکی را به فرزندی گرفته اند، انتخاب گردیدند. در مجموع، چهار مادر فرزندپذیر به شرح جدول ۱ از شهر تهران پس از فراخوان پژوهشگر در یک صفحه اینستاگرامی شخصی (مادر پرتغالی؛ صفحه شناخته شده برای خانواده های فرزند پذیر ایرانی) به پژوهشگر اعلام آمادگی کرده و در این مطالعه شرکت کردند. شرکت کنندگان می بایست حداقل پنج سال با فرزندخواندهای خود زندگی کرده باشند تا تجربه کافی از چالش‌های رفتاری و پویایی‌های دلبستگی آن‌ها کسب کرده باشند. تعداد شرکت‌کنندگان بر اساس اصول پژوهش‌های کیفی و محدودیت‌های دسترسی به مادران فرزندپذیر در این مقطع زمانی انتخاب شد تا درک عمیق‌تری از تجربیات آن‌ها حاصل شود. اگرچه بسیاری از مخاطبان دعوت به این پژوهش، دلایلی را برای عدم حضور خود اعلام کردند. عدم مشارکت برخی مادران در این پژوهش عمدتاً به‌دلیل حساسیت های خاص موضوع فرزندپذیری، نگرانی در مورد ناشناس ماندن و محرمانگی، عدم اعتماد به تحقیقات دولتی، ناامیدی از تأثیر پژوهش بر وضعیت خانواده‌ها، خشم از سیستم پذیرش و حمایت دولتی و ترس از قضاوت شدن بود.

[Downloaded from payeshjournal.ir on 2026-11-17]
[DOI: 10.61186/payesh.24.1.81]

با توجه به نظریه دلبستگی بالبی، مادر به‌عنوان فرد اصلی در شکل‌گیری دلبستگی اولیه کودک شناخته می‌شود [۱۷،۱۸]. در این پژوهش مادران به عنوان شرکت‌کنندگان اصلی انتخاب شدند، زیرا آن‌ها نقش مرکزی در مراقبت و حمایت عاطفی در خانواده دارند. بر این اساس، دیدگاه‌های آن‌ها بینش‌های ارزشمندی در مورد تجربیات روزمره تربیت کودکان فرزندخوانده ارائه کرد [۳،۶].

داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختارمند عمقی که برای تسهیل گفتگوی باز و اجازه به شرکت‌کنندگان برای به اشتراک گذاشتن آزادانه تجربیاتشان طراحی شده بودند، جمع‌آوری شد. هر مصاحبه طبق جدول ۲ بین ۶۰ تا ۹۰ دقیقه به طول انجامید و برای اطمینان از راحتی و روانی در ارتباط، مصاحبه ها به زبان فارسی انجام شد [۲۳].

در زمان مصاحبه و برای ساختاردهی به بحث، موضوعات کلیدی توسط پژوهشگر توسعه یافت؛ "ماهیت چالش‌های رفتاری کودکان، واکنش‌های عاطفی و عملی به این چالش‌ها و تجربیات و ادراکات دلبستگی و پیوندهای عاطفی در خانواده"

استفاده از سؤالات باز به شرکت‌کنندگان اجازه داد تا احساسات، افکار و تجربیات شخصی خود را به تفصیل بیان کنند و این امر به درک عمیق‌تر دیدگاه‌های آن‌ها کمک کرد [۲۴].

مصاحبه‌ها با رضایت شرکت‌کنندگان به شکل صوتی ضبط شد و سپس به‌صورت کلمه به کلمه پیاده سازی شد. برای غنی‌سازی داده‌های جمع‌آوری‌شده، در حین مصاحبه‌ها یادداشت‌های میدانی نیز گرفته شد که نشانه‌های غیرکلامی، حالات عاطفی و عوامل زمینه‌ای که ممکن است به تفسیر داده‌ها کمک کنند را ثبت می‌کرد [۹]. این پژوهش دارای کد اخلاق با شماره ارجاع UM.TNC2/UMREC_3195 از کمیته اخلاق در پژوهش دانشگاه ملی مالزی (University Malaya Research Ethics Committee, Non-Medical) است. مشارکت در این پژوهش کاملاً داوطلبانه بوده و تصمیم به مشارکت یا عدم مشارکت هیچ پیامد منفی نداشته است. تنها افرادی که فرم رضایت نامه را امضا کرده اند، در مطالعه گنجانده شده اند. شرکت کنندگان آگاهی و اختیار داشتند که بدون ارائه هیچ دلیلی، از ادامه همکاری انصراف دهند. علاوه بر این، تمام شرکت‌کنندگان این امکان را داشتند که هرگونه اطلاعات شخصی که ممکن است آن‌ها را شناسایی کند، حذف کنند. همچنین، مشارکت کندگان اطلاع داشتند که در صورت نیاز به حمایت عاطفی در حین یا پس از مصاحبه، پژوهشگر به عنوان روانشناس دارای پروانه حرفه ای اشتغال (شماره پروانه نظام روانشناسی ۹۱۰۹) مداخله نموده و یا مسیر ارجاع به یک متخصص یا مرکز درمانی را فراهم خواهد نمود.

متن مصاحبه‌های پیاده سازی شده با استفاده از چارچوب تحلیل پدیدارشناسی تفسیری (IPA) مورد تحلیل قرار گرفتند که تأکید بر درک نحوه درک شرکت‌کنندگان از تجربیاتشان دارد. تحلیل داده‌ها یک فرایند نظام مند را دنبال کرد که توسط اسمیت، فلاورز و لارکین تشریح شده است: [۲۱]

۱. خواندن و بازخوانی: رونویسی‌ها چندین بار خوانده شدند تا آشنایی عمیقی با روایت‌ها به‌دست آید و مضمون ها و احساسات کلیدی که توسط شرکت‌کنندگان بیان شده بود، شناسایی شود.

۲. یادداشت‌برداری اولیه: یادداشت‌های دقیقی از عبارات مهم، کلمات کلیدی و بینش‌هایی که از توصیف شرکت‌کنندگان استخراج شد، ثبت شد.

۳. توسعه مضمون‌های پدیدارشونده: مضمون‌های بالقوه‌ای شناسایی شد که بر ادراکات شرکت‌کنندگان از چالش‌های رفتاری، دلبستگی و واکنش‌های عاطفی آن‌ها تمرکز داشت. کدگذاری موضوعی امکان گروه‌بندی تجربیات مشابه در مصاحبه‌های مختلف را فراهم کرد.

۴. جستجوی اتصالات: مضمون‌های پدیدارشونده از هر مورد به‌طور جداگانه مقایسه شد تا الگوها و تفاوت‌ها در میان شرکت‌کنندگان شناسایی شود و تجربیات مشترک و دیدگاه‌های منحصر به فرد برجسته شود.

۵. یکپارچه‌سازی مضمون‌ها: تم‌های اصلی ساخته شد تا تجربیات کلی که توسط شرکت‌کنندگان به اشتراک گذاشته می‌شد، مانند تأثیر انگ‌های اجتماعی بر شکل‌گیری دلبستگی و تاب‌آوری عاطفی که برای مدیریت چالش‌های رفتاری لازم است، نشان داده شود [۸]. برای افزایش پایایی نتایج، یک پژوهشگر دیگر به‌طور مستقل رونویسی‌ها و مضمون‌های پدیدار شده را بررسی کرد تا یک بررسی دقیق از فرآیند تحلیل ارائه دهد. از روش مثلث‌سازی نیز استفاده شد که با مقایسه داده‌های مصاحبه با ادبیات موجود در زمینه فرزندخواندگی و دلبستگی، اطمینان حاصل شد که یافته‌ها با روندهای پژوهشی گسترده‌تر سازگار هستند [۱۱،۱۲]. نرم‌افزارهای MAXQDA و PYTHON برای کمک به کدگذاری، تحلیل موضوعی و مدل‌سازی به‌کار گرفته شدند و سازماندهی سیستماتیک تم‌ها و الگوها در داده‌ها را ممکن ساختند.

[Downloaded from payeshjournal.ir on 2026-11-17]
[DOI: 10.61186/payesh.24.1.81]

یافته ها

تحلیل مصاحبه‌ها چالش‌های رفتاری قابل‌توجهی را که کودکان فرزندخوانده در خانواده‌های ایرانی با آن مواجه هستند و همچنین راهبردهای مقابله‌ای که توسط والدین فرزندپذیر به‌کار گرفته می‌شود، آشکار کرد. نتایج در سه موضوع اصلی سازماندهی شده‌اند: چالش‌های رفتاری کودکان فرزندخوانده، واکنش‌ها و راهبردهای مقابله‌ای والدین و ادراکات دلبستگی که هر موضوع با شواهدی از نقل قول‌های شرکت‌کنندگان پشتیبانی شدند.

جدول ۳ خلاصه‌ای از یافته‌های کلیدی مصاحبه‌های انجام شده با مادران فرزندپذیر در مورد چالش‌های رفتاری که کودکان فرزندخوانده در خانواده‌های ایرانی با آن مواجه هستند را ارائه می‌دهد. این جدول موضوعات اصلی و فرعی از جمله چالش‌های رفتاری، واکنش‌های والدین، شبکه‌های حمایتی و ادراکات دلبستگی را شامل می‌شود. هر موضوع با شواهدی از نقل قول‌های شرکت‌کنندگان پشتیبانی می‌شود که پیچیدگی‌های مسائل دلبستگی، واکنش‌های عاطفی والدین، راهبردهای مقابله‌ای به‌کار گرفته شده و تأثیر انگ اجتماعی بر پویایی‌های خانوادگی را نشان می‌دهد. این جدول نمای کاملی از یافته‌های مصاحبه‌های عمیق با مادران فرزندپذیر درباره تجربیات زیسته چالش‌های رفتاری که کودکان فرزندخوانده در خانواده‌های ایرانی با آن مواجه هستند، ارائه می‌دهد. این جدول موضوعات اصلی، مضمون های پدیدارشونده و زیرمضمون‌ها را مشخص می‌کند که در سه حوزه کلیدی دسته‌بندی شده‌اند: چالش‌های رفتاری، واکنش‌ها و راهبردهای مقابله‌ای والدین و ادراکات دلبستگی. دسته چالش‌های رفتاری مسائل مرتبط با دلبستگی و مشکلات تنظیم هیجانی را که اغلب در کودکان فرزندخوانده مشاهده می‌شود، از جمله اجتناب از محبت فیزیکی، وابستگی شدید، فوران‌های عاطفی و مشکلات در آرام‌سازی را برجسته می‌کند. این رفتارها معمولاً ریشه در تجربیات ناخوشایند اولیه و الگوهای دلبستگی مختل‌شده دارند [۱۷].

دسته واکنش‌ها و راهبردهای مقابله‌ای والدین بر گام‌های پیشگیرانه‌ای که والدین فرزندپذیر برای مدیریت این چالش‌ها انجام می‌دهند، تأکید دارد؛ مانند ایجاد روال، جستجوی کمک حرفه‌ای و استفاده از تقویت مثبت برای تشویق رفتار مناسب [۷]. این راهبردها نشان‌دهنده تاب‌آوری و انطباق‌پذیری در والدگری هستند، به رغم فشاری که فرزندخواندگی بر خانواده‌ها تحمیل می‌کند. دسته ادراکات دلبستگی به بررسی پویایی‌های عاطفی شکل‌گیری دلبستگی در خانواده‌های فرزندپذیر می‌پردازد. این شامل تجربیات مثبت پیوند عاطفی و توسعه تدریجی اعتماد بین والدین و کودکان فرزندخوانده است. علاوه بر این، جدول بر تأثیر انگ‌های فرهنگی و موانع عاطفی که اغلب مانع از ایجاد دلبستگی ایمن در بافت فرزندخواندگی در ایران می‌شوند، تأکید دارد [۱۰،۱۲].

در مجموع، این جدول تحلیل دقیقی از نحوه تلاقی عوامل رفتاری، عاطفی و فرهنگی برای شکل‌گیری تجربه فرزندخواندگی در ایران ارائه می‌دهد و بینش‌های ارزشمندی برای متخصصان سلامت روان، سیاست‌گذاران و خود خانواده‌های فرزندپذیر فراهم می‌آورد.

چالش‌های رفتاری کودکان فرزندخوانده

- **۱) اختلالات دلبستگی:** تمامی شرکت‌کنندگان گزارش دادند که کودکان فرزندخوانده آن‌ها علائم اختلالات دلبستگی را نشان می‌دهند که در انواع مشکلات رفتاری بروز می‌کند. این چالش‌ها شامل موارد زیر است:

رفتار اجتنابی: مادران اشاره کردند که کودکانشان غالباً از محبت فیزیکی و نزدیکی عاطفی اجتناب می‌کنند. به‌عنوان مثال، مریم ۱ بیان کرد: *"هر بار که سعی می‌کنم او را در آغوش بگیرم، او به شدت می‌ترسد. مثل اینکه از نزدیک شدن می‌ترسد. اغلب فکر می‌کنم قبل از آمدن به خانه ما چه تجربه‌ای داشته است"*.

وابستگی شدید: در مقابل، آذین گفت که کودک او در موقعیت‌های استرس‌زا وابستگی شدیدی از خود نشان می‌دهد: *"هر زمان که مهمان می‌آید، او حاضر نیست از کنار من دور شود. می‌توانم اضطراب او را احساس کنم؛ او فکر می‌کند که من او را مانند مادر بیولوژیکی‌اش ترک می‌کنم"*.

فوران‌های عاطفی: فریبا گزارش داد که کودک او اغلب دچار فوران‌های عاطفی می‌شود و گفت: *"گاهی بدون هیچ دلیلی، او شروع به گریه و جیغ زدن می‌کند. نمی‌توانم بفهمم چرا. مثل اینکه چیزی در گذشته‌اش او را تحریک می‌کند و نمی‌تواند آن را کنترل کند"*.

این روایت‌ها نشان می‌دهد که مشکلات دلبستگی در میان کودکان فرزندخوانده شایع است و تأثیر قابل‌توجهی بر ثبات عاطفی آن‌ها و روابطشان با والدین فرزندپذیرشان دارد.

- **مشکلات تنظیم هیجانی:** شرکت‌کنندگان همچنین مشکلات تنظیم هیجانی را به‌عنوان یک چالش کلیدی رفتاری در میان کودکان فرزندخوانده برجسته کردند:

[Downloaded from payeshjournal.ir on 2026-11-17]
[DOI: 10.61186/payesh.24.1.81]

حملات عصبی و پرخاشگری: هر مادر توصیف کرد که مواردی از حملات شدید عاطفی منجر به رفتارهای پرخاشگرانه وجود دارد. مریم ۲ اشاره کرده: *"وقتی که او به خواسته‌اش نمی‌رسد، اشیا را پرت می‌کند. مجبور شده‌ام چندین مورد را تعویض کنم چون او خیلی عصبانی می‌شود"*.

دشواری در آرام‌سازی: مادران گزارش دادند که کودکانشان پس از دچار شدن به ناراحتی، برای آرام شدن مشکل دارند. آذین توضیح داد: *"پس از یک فوران، او مدت زیادی طول می‌کشد تا آرام شود. من باید کنار او بنشینم و او را در این زمینه راهنمایی کنم که بسیار خسته‌کننده است"*.

این یافته‌ها بر مشکلات عاطفی و رفتاری که کودکان فرزندخوانده با آن مواجه هستند، تأکید می‌کند که ریشه در تجربیات گذشته و تاریخچه دلبستگی آن‌ها دارد [۱۱].

۱) واکنش‌ها و راهبردهای مقابله‌ای والدین

- **راهبردهای مقابله‌ای:** والدین فرزندپذیر از راهبردهای مختلفی برای مقابله با مشکلات رفتاری کودکانشان استفاده کردند:

ایجاد ساختار: تمامی مادران بر اهمیت ایجاد یک محیط ساختارمند تأکید کردند. فریبا گفت: *"ما یک روال روزانه سخت‌گیرانه داریم. این به او کمک می‌کند تا بداند چه انتظاری باید داشته باشد و او را آرام می‌کند"*.

درخواست کمک حرفه‌ای: برخی از مادران به مشاوره مراجعه کردند تا رفتارهای کودکانشان را بهتر درک کرده و مدیریت کنند. آذین گفت: *"من به یک روانشناس کودک مراجعه کردم تا مشاوره بگیرم. این به من کمک کرده است تا تکنیک‌های جدیدی برای مدیریت اضطراب او یاد بگیرم"*.

تقویت مثبت: فریبا در مورد استفاده از تقویت مثبت برای تشویق رفتارهای مطلوب گفت: *"من سعی می‌کنم رفتار خوب را با تحسین یا هدایای کوچک پاداش دهم. به نظر می‌رسد که به او کمک می‌کند تا احساس خوبی درباره خودش داشته باشد"*.

این راهبردها نشان‌دهنده روش‌های پیشگیرانه‌ای هستند که والدین برای تقویت پویایی‌های خانوادگی سالم‌تر به‌کار می‌برند [۳،۶].

- **شبکه‌های حمایتی:** شرکت‌کنندگان به اهمیت شبکه‌های حمایتی در مدیریت چالش‌هایشان اشاره کردند:

حمایت خانواده: اکثر مادران به شدت به خانواده‌های بزرگتر برای حمایت عاطفی تکیه می‌کردند. مریم ۲ گفت: *"خواهرم مانند یک حامی برای من بوده است. او به من کمک می‌کند تا زمانی که به استراحت نیاز دارم، از دخترم مراقبت کند و او می‌داند که ما چه فرآیندی را می‌گذرانیم"*.

انگ اجتماعی: به رغم وجود حمایت های خانوادگی، شرکت‌کنندگان احساس انزوا به‌دلیل انگ اجتماعی را گزارش کردند. آذین گفت: *"من نمی‌توانم به‌طور آزادانه در مورد تجربه فرزندخواندگی‌ام با دیگران صحبت کنم؛ از قضاوت می‌ترسم. در برخی مواقع خیلی تنها هستم"*.

این تاکید بر شبکه‌های حمایتی بر نقش حیاتی حمایت‌های اجتماعی و خانوادگی در عبور از پیچیدگی‌های تربیت کودکان فرزندخوانده تأکید دارد [۹،۱۳].

۲) ادراکات دلبستگی

- **دیدگاه‌ها درباره شکل‌گیری دلبستگی:** مادران ادراکات مختلفی درباره دلبستگی خود با فرزندانشان بیان کردند:

تجربیات پیوند مثبت: چندین شرکت‌کننده به لحظات ارتباطی اشاره کردند که نشان‌دهنده دلبستگی بود. مریم ۱ گفت: *"برخی روزها وقتی او به من لبخند می‌زند یا برای دستم دراز می‌کند، احساس می‌کنم که سرانجام با هم ارتباط برقرار کرده‌ایم"*.

روند تدریجی دلبستگی: با این حال، بسیاری از مادران به این نکته اشاره کردند که دلبستگی یک فرآیند تدریجی و غالباً دشوار است. آذین اشاره کرد: *"من یاد گرفته‌ام که ایجاد اعتماد زمان می‌برد. او به آرامی یاد می‌گیرد که من به او آسیبی نمی رسانم، اما این یک سفر تدریجی است"*.

این بینش‌ها نشان‌دهنده پویایی‌های دقیق شکل‌گیری دلبستگی در بافت فرزندخواندگی هستند [۱۲،۱۴].

- **چالش‌های ادراک‌شده در دلبستگی:** مادران چالش‌های خاصی را که در ترویج دلبستگی با آن‌ها مواجه بودند، بیان کردند:

انگ فرهنگی: انگ پیرامون فرزندخواندگی باعث شد برخی از مادران نتوانند تجربیات خود را به‌طور آزادانه به اشتراک بگذارند. فریبا گفت: *"من نگران هستم که جامعه ما را چگونه می‌بیند. این موضوع می‌تواند هم من و هم دخترم را در پیوند ما کمتر ایمن هستیم، حفظ کند"*.

موانع عاطفی: تاریخچه‌های عاطفی فرزندان معمولا موانعی بزرگ برای دلبستگی ایجاد کرده است. فریبا گفت: *"گاهی اوقات احساس می‌کنم که او دیوارهایی در اطراف قلبش بنا کرده است که من باید سعی کنم به آرامی آن‌ها را بشکنم"*.

[Downloaded from payeshjournal.ir on 2026-11-17]
[DOI: 10.61186/payesh.24.1.81]

این ادراکات بر پیچیدگی‌های دلبستگی در خانواده‌های فرزندپذیر تأکید می‌کند و هم پتانسیل ایجاد پیوندهای عاطفی و هم موانعی که تشکیل دلبستگی را مختل می‌کند، نشان می‌دهد [۱۰،۱۲].

مدل جامع درک چالش‌های رفتاری در خانواده‌های فرزندپذیر ایرانی: این مدل (نمودار شماره ۱) چارچوبی یکپارچه برای درک چالش‌های رفتاری که کودکان فرزندخوانده در خانواده‌های ایرانی با آن مواجه هستند، فراهم می‌کند. این مدل ابعاد فرهنگی، قانونی و روان‌شناختی را در نظر می‌گیرد و رویکردی ساختارمند برای تحلیل عواملی که تجربه فرزندخواندگی را در ایران شکل می‌دهند، ارائه می‌دهد. این مدل عوامل رفتاری، عاطفی، فرهنگی و قانونی را که تجربه فرزندخواندگی در ایران را شکل می‌دهند، یکپارچه می‌کند و به این نکته توجه دارد که در حالی که چالش‌های رفتاری که فرزندخوانده‌ها در ایران با آن مواجه هستند مشابه چالش‌های جهانی است، بافت ایرانی موانع منحصر به فردی را به همراه دارد. این موانع شامل انگ فرهنگی پیرامون فرزندخواندگی، محدودیت‌های قانونی در حقوق کامل والدین و کمبود خدمات حمایتی رسمی پس از فرزندخواندگی است [۱۰].

با پرداختن به این چالش‌ها از طریق مداخلات هدفمند، سیستم‌های حمایتی و اصلاحات قانونی، این مدل نقشه‌راهی برای بهبود نتایج برای خانواده‌های فرزندپذیر در ایران فراهم می‌کند. این مدل همچنین بر اهمیت تاب‌آوری و سازوکارهای مقابله فرهنگی، مانند اعتقادات مذهبی و حمایت خانواده، تأکید می‌کند که نقش مرکزی در نحوه عبور والدین فرزندپذیر ایرانی از پیچیدگی‌های عاطفی فرزندخواندگی ایفا می‌کنند [۳].

جدول ۱: مشخصات شرکت کنندگان در پژوهش

نام مستعار	سن مادر	وضعیت اشتغال مادر	سن کودک	سن زمان فرزندخواندگی	مدت زمان فرزندخواندگی	جنسیت
مریم ۵۴۳۵۴ (۱)	۵۲	بازنشسته	۸	یک هفتگی	۸ سال	دختر
مریم ۶۵۱۸۴ (۲)	۴۷	شاغل	۷	یک سالگی	۶ سال	پسر
آذین ۸۹۶۵۵	۴۳	شاغل	۱۳	هفت سالگی	۶ سال	پسر
فریبا ۰۴۹۵۱	۳۹	شاغل	۷	نه ماهگی	۵ سال	دختر

جدول ۲: تعداد و زمان مصاحبه با شرکت کنندگان

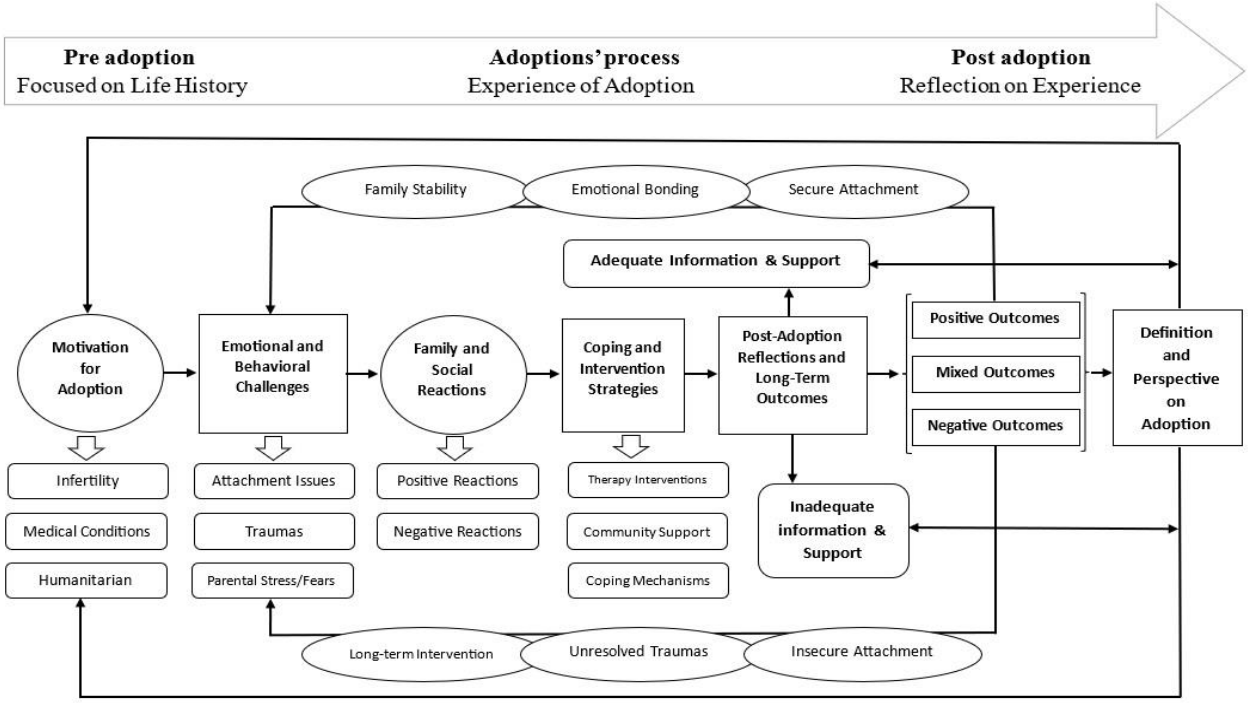
نام شرکت‌کننده	تعداد مصاحبه‌ها	کل زمان مصاحبه‌ها
مریم ۵۴۳۵۴ (۱)	۲	۲ ساعت و ۳۰ دقیقه
مریم ۶۵۱۸۴ (۲)	۱	۱ ساعت و ۱۰ دقیقه
آذین ۸۹۶۵۵	۲	۲ ساعت و ۵ دقیقه
فریبا ۰۴۹۵۱	۱	۱ ساعت و ۲۰ دقیقه

جدول ۳: خلاصه‌ای از یافته‌های کلیدی مصاحبه‌های انجام شده با مادران فرزندپذیر

عناصر کلیدی	گویه ها	مضمون های اصلی (کلی)	مضمون های پدیدار شده	مضمون های فرعی (جزیی)
عدم وجود محبت فیزیکی از سمت کودک	تجربه اجتناب فیزیکی	چالش های رفتاری	اختلالات دلبستگی	رفتار اجتنابی
نیاز مداوم به نزدیکی با مراقب	نیاز به نزدیکی	چالش های رفتاری	اختلالات دلبستگی	وابستگی شدید
واکنش‌های عاطفی کنترل‌نشده ناشی از تجربیات گذشته	اپیزودهای پریشانی عاطفی	چالش های رفتاری	اختلالات دلبستگی	فوران‌های عاطفی
عدم توانایی کنترل خشم در موقعیت‌های استرس‌زا	واکنش‌های خشم	مشکلات تنظیم هیجانی	مشکلات تنظیم هیجانی	حملات عصبی و پرخاشگری
دشواری طولانی در بازگشت به حالت عاطفی عادی	چالش در آرام‌سازی خود	هیجانی	مشکلات تنظیم هیجانی	دشواری در آرام‌سازی
اهمیت ایجاد محیط ساختارمند و قابل پیش‌بینی	ایجاد روال	واکنش‌ها و راهبردهای مقابله‌ای والدین	راهبردهای مقابله‌ای	ایجاد ساختار
درخواست کمک از متخصصان سلامت روان	جستجوی راهنمایی	واکنش‌ها و راهبردهای مقابله‌ای والدین	راهبردهای مقابله‌ای	جستجوی کمک حرفه‌ای
استفاده از تقویت مثبت برای تشویق رفتارهای مطلوب	تأیید از طریق پاداش	واکنش‌ها و راهبردهای مقابله‌ای والدین	راهبردهای مقابله‌ای	تقویت مثبت
حمایت عاطفی و عملی از اعضای خانواده بزرگ	نقش خانواده گسترده	شبکه های حمایتی	شبکه‌های حمایتی	حمایت خانواده
انگ اجتماعی پیرامون فرزندخواندگی و تأثیر آن بر تعاملات اجتماعی	ترس از انگ اجتماعی	شبکه‌های حمایتی	انگ اجتماعی جامعه	انگ اجتماعی
لحظات پیوند عاطفی با کودک	لحظات ارتباط	ادراکات دلبستگی	دیدگاه‌ها درباره شکل‌گیری دلبستگی	تجربیات پیوند عاطفی مثبت
توسعه تدریجی اعتماد بین کودک و مراقب	توسعه تدریجی اعتماد	ادراکات دلبستگی	دیدگاه‌ها درباره شکل‌گیری دلبستگی	روند تدریجی دلبستگی
تأثیر هنجارهای فرهنگی بر دلبستگی	تأثیر هنجارهای فرهنگی	چالش‌های دلبستگی	چالش‌های دلبستگی	انگ فرهنگی
موانع عاطفی کودک که بر دلبستگی تأثیر می‌گذارد	موانع عاطفی	چالش‌های دلبستگی	چالش‌های دلبستگی	موانع عاطفی

[Downloaded from payeshjournal.ir on 2026-11-17]
[DOI: 10.61186/payesh.24.1.81]

نمودار ۱: مدل مفهومی چالش‌های رفتاری کودکان فرزندخوانده در خانواده‌های ایرانی



بحث و نتیجه گیری

این مطالعه چالش‌های رفتاری تجربه‌شده توسط کودکان فرزندخوانده در خانواده‌های ایرانی و راهبردهای مقابله‌ای به‌کار گرفته شده توسط والدین فرزندپذیر را بررسی کرد. یافته‌ها بر پیچیدگی‌های روان‌شناختی فرزندخواندگی، به‌ویژه در یک بافت فرهنگی که فرزندخواندگی اغلب انگ‌زده است، تأکید دارند. این پیچیدگی‌ها با پژوهش‌های گسترده‌تر در مورد تأثیرات عاطفی و روان‌شناختی ناملایمات اولیه بر کودکان فرزندخوانده همخوانی دارد و بر اهمیت فرایندهای دلبستگی و پیامدهای آن برای متخصصان سلامت روان و اصلاحات سیاستی تأکید می‌کند [۲۷،۲۸]. چالش‌های رفتاری گزارش‌شده توسط مادران فرزندپذیر در این مطالعه با ادبیات موجود در مورد تنظیمات عاطفی و روان‌شناختی فرزندخوانده‌ها همخوانی دارد. مضمون های کلیدی شامل اختلالات دلبستگی، بی‌نظمی عاطفی و تأخیرهای رشدی بود که اغلب ناشی از آسیب های روانی اولیه، بی‌توجهی یا مراقبت‌های ناپیوسته است [۲۹،۳۰]. تحقیقات نشان می‌دهد که کودکانی که در دوران اولیه زندگی پیوندهای دلبستگی پایدار نداشته‌اند، بیشتر در معرض مشکلات درونی‌سازی و بیرونی‌سازی مانند اضطراب، پرخاشگری و کناره‌گیری اجتماعی قرار دارند [۳۱]. به‌عنوان مثال، چندین مادر در این مطالعه به مشکلات تنظیم هیجانی کودکان خود اشاره کردند و از حملات عصبی و اجتناب از نزدیکی فیزیکی گزارش دادند، که این الگوها با مسائل شناخته‌شده دلبستگی همخوانی دارد [۳۲]. با این حال، آنچه یافته‌های این مطالعه را متمایز می‌کند، بافت فرهنگی ایرانی است که این چالش‌ها در آن بروز می‌کنند. جامعه ایران تأکید زیادی بر نسب زیست شناختی دارد و پنهان‌کاری پیرامون فرزندخواندگی که ریشه در انگ اجتماعی دارد، مشکلات رفتاری را تشدید کرده و به سردرگمی هویتی و احساس طردشدگی در میان فرزندخوانده‌ها منجر می‌شود [۳۳]. مطالعات در بافت‌های غربی بر باز بودن فرزندخواندگی به‌عنوان عاملی کلیدی در کاهش فشار روانی تأکید دارند [۳۴]. با این حال در ایران، این پنهان‌کاری توسعه دلبستگی‌های ایمن را مختل کرده و نتایج عاطفی و رفتاری کودکان را بدتر می‌کند [۳۵]. یافته‌ها تأثیر عمیق انگ اجتماعی بر شکل‌گیری دلبستگی در خانواده‌های فرزندپذیر ایرانی را نشان می‌دهند. پنهان‌کاری پیرامون فرزندخواندگی اغلب مانع از آن می‌شود که خانواده‌ها به‌طور آزادانه درباره وضعیت خود صحبت کنند و آن‌ها را از شبکه‌های حمایتی احتمالی جدا می‌کند.

[Downloaded from payeshjournal.ir on 2026-11-17]

[DOI: 10.61186/payesh.24.1.81]

این موضوع با پژوهش‌های گسترده‌تر کـه نشـان مـی‌دهـد ادراکـات فرهنگی و نگرش‌های اجتماعی تأثیر زیادی بر پویایی‌های دلبستگی دارند، مطابقت دارد [۷،۳۶]. در جوامعی که فرزندخواندگی انـگ‌زده است، والدین فرزندپـذیر ممکـن اسـت مجبـور شـوند حقیقـت را از کودکان خود مخفی کنند که این امـر شـکل‌گیـری دلبسـتگی‌هـای ایمن را مختل می‌کند [۳۷]. از منظر نظریه دلبستگی، احتمالاً عدم باز بـودن دربـاره فرزندخوانـدگی، توسـعه دلبسـتگی‌هـای ایمـن را تضعیف می‌کند. نظریه بالبی بر این اصل تأکید دارد کـه دلبسـتگی ایمن بر پایه اعتماد و مراقبت پیوسته ساخته مـی‌شـود [۱۷]. فشـار اجتماعی برای حفظ پنهان‌کاری می‌تواند احساس ناکارآمدی و گنـاه را در والدین تقویت کند و توانایی آن‌ها در ارائه مراقبت‌های عـاطفی پاسخگو را که برای دلبستگی ایمن ضروری است، تحت تـأثیر قـرار دهد [۳۸]. یافته‌های این مطالعه با پژوهش‌هـایی مطابقـت دارد کـه نشـان مـی‌دهـد قضـاوت اجتمـاعی بـا مشـکلات بیشـتری در دلبسـتگی‌هـای فرزندخوانـدگی مـرتبط اسـت [۳۹]. راهبردهـای مقابله‌ای که توسط مادران فرزندپذیر در این مطالعـه بـه‌کـار گرفتـه شـده‌انـد، نشـان‌دهنـده تـاب‌آوری آن‌هـا اسـت. مـادران از ایجـاد محیط‌های ساختارمند، استفاده از تقویت مثبت و جستجوی کمـک حرفه‌ای برای مدیریت چالش‌های رفتاری فرزندان خود خبر دادنـد. این راهبردها با پژوهش‌هایی کـه نشـان مـی‌دهنـد سـاختار، روال و پاسخ‌های رفتاری پیوسته کلید ترویج ثبات عاطفی در کودکـانی بـا پیشینه‌های آسیب های روانی اولیـه هسـتند، همخـوانی دارد [۴۰]. علاوه بر این، اتکا به حمایت‌های خارجی، از جملـه اعضـای خـانواده بزرگتر و مشاوره حرفه‌ای، بر اهمیت شـبکه‌هـای حمـایتی قـوی در کاهش استرس والدین تأکید دارد [۴۱]. پژوهش‌هـای پیشـین نشـان داده‌اند که حمایت اجتماعی، هم برای والدین و هم بـرای کودکـان در خانواده‌های فرزندپذیر، بهبودهایی در بهزیستی روانی ایجـاد مـی‌کنـد [۴۲،۴۳]. با این حال، کمبود خدمات رسـمی پـس از فرزندخوانـدگی در ایـران بسـیاری از خـانواده‌هـای فرزندپـذیر را در حالـت انـزوا و بی‌حمایتی قرار می‌دهد، که این مسئله نیاز به خدمات تخصصی بـرای خانواده‌های فرزندپذیر را برجسـته مـی‌کنـد [۱۶،۴۲]. در بافـت‌هـای غربـی، خـدمات پـس از فرزندخوانـدگی ماننـد مشـاوره و گـروه‌هـای حمایتی با نتایج بهتر روانی-اجتماعی مرتبط شده است [۴۴].

پیامـدهای سیاسـت گـذاری و عملیـاتی: یافتـه‌هـای ایـن مطالعـه پیامدهای قابل‌توجهی برای متخصصان سلامت روان، سیاست‌گذاران و جامعه ایرانی دارد. سلامت روانی کودکان فرزندخوانـده کـه دارای پیشینه تروما هستند، نیازمند مداخلات تخصصی در حـوزه سـلامت روان است. متخصصـانی ماننـد روانشناسـان، مشـاوران و مـددکاران اجتماعی باید در مراقبت‌های مبتنی بر آسـیب هـای روانـی اولیـه و رویکردهـای مبتنـی بـر دلبسـتگی آمـوزش ببیننـد تـا بتواننـد از خانواده‌های فرزندپذیر به‌طور مؤثر حمایت کنند [۴۶،۴۵].

علاوه بر این، پویش های آگاهی‌بخشی عمـومی و آمـوزش از طریـق محتوای کتب درسی که به منظور کاهش انـگ اجتمـاعی پیرامـون فرزندخواندگی طراحی شده‌اند، به‌شدت مورد نیاز هسـتند. آمـوزش عمومی درباره تأثیرات مثبت فرزندخواندگی و تشویق به ارتباط بـاز درباره فرزندخواندگی می‌تواند به حذف موانع فرهنگـی کمـک کنـد [۴۷]. کشورهایی ماننـد ایـالات متحـده و بریتانیـا نتـایج مـوفقی از کمپین‌های مشابه به‌دست آورده‌اند که نگرش‌های اجتمـاعی نسـبت به فرزندخواندگی را بهبود بخشـیده و انـگ‌هـای مـرتبط را کـاهش داده‌اند [۳۷،۳۸]. در نهایت، نیاز فوری بـه توسـعه خـدمات رسـمی پس از فرزندخواندگی در ایران وجود دارد. این خدمات بایـد شـامل مشاوره، کارگاه‌های والدگری و گروه‌های حمایتی باشد که همگی بـا هدف کمک بـه خـانواده‌هـا بـرای عبـور از پیچیـدگی‌هـای عـاطفی فرزندخوانـدگی طراحـی شـده‌انـد. تحقیقـات نشـان مـی‌دهـد کـه دسترسی به این خدمات نتایج بلندمدت بهتری برای سلامت روانـی والدین و کودکان به همراه دارد [۴۹،۵۰]. اجرای چنین خدماتی در ایران می‌تواند چشم‌انداز حمـایتی بـرای خـانواده‌هـای فرزندپـذیر را متحول کند، دلبستگی ایمن را ترویج داده و نتایج روانـی-اجتمـاعی را بهبود بخشد.

از پیشنهادات این پژوهش می توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. توسعه خدمات پس از سرپرسـتی: دولـت و سـازمان‌هـای مرتبط باید برنامه‌های پـس از فرزندخوانـدگی را بـا اولویـت بیشـتر توسعه دهند. این برنامه‌ها باید شامل مشاوره تخصصی، درمـان‌هـای مبتنی بر آسیب های روانی و گروه‌های حمایتی بـرای خـانواده‌هـای پذیرنده باشد و در دسترس خانواده‌ها در مناطق مختلف قرار گیرد.

۲. اصلاح قوانین سرپرستی: سیستم قـانونی ایـران مـی توانـد قوانین سرپرستی را اصلاح و بهبود دهد تـا بـه کودکـان فرزندخوانـده حقوق قانونی کاملتری از جمله حق ارث از والدین پذیرنده اعطا شـود. تطبیق این قوانین با استانداردهای بین‌المللی مانند کنوانسیون حقـوق کودک (CRC) می‌تواند از حقوق و رفاه این کودکان حمایت کند.

۳. پویش‌های آگاهی عمومی: پویش‌های آگـاهی عمـومی در سطح ملی برای کاهش انگ اجتماعی مرتبط با فرزندخوانـدگی بایـد

[Downloaded from payeshjournal.ir on 2026-11-17]
[DOI: 10.61186/payesh.24.1.81]

برگزار شوند. این پویش‌ها باید فرزندخواندگی را به عنوان یک روش معتبر برای تشکیل خانواده معرفی کرده و بر اهمیت فراهم کردن خانه‌های پایدار و محبت‌آمیز برای کودکان یتیم تأکید کنند. برنامه های آموزشی مدارس، محتوای مناسب در کتب درسی، فعالیت شخصیت‌های مطرح و رسانه‌های ارتباط جمعی می‌توانند نقش مؤثری در تغییر نگرش‌های فرهنگی ایفا کنند.

۴. برنامه‌های فرزندپروری مبتنی بر آسیب های روانی اولیه: برنامه‌های فرزندپروری که بر مراقبت‌های مبتنی بر آسیب های روانی اولیه تأکید دارند باید با ارزش‌های فرهنگی ایرانی هماهنگ شوند. ترکیب تعالیم اسلامی با مشاوره‌های فرزندپروری می‌تواند پذیرش و اثربخشی این برنامه‌ها را در میان والدین پذیرنده افزایش دهد.

۵. آموزش متخصصان: برنامه‌های آموزشی برای متخصصانی که با خانواده‌های فرزندپذیر کار می‌کنند، از جمله مددکاران اجتماعی، روان‌شناسان و حقوق دانان، باید توسعه یابد. این برنامه‌ها باید بر نیازهای عاطفی و رفتاری کودکان فرزندخوانده و چالش‌های خاص خانواده‌های فرزندپذیر در ایران متمرکز باشند.

۶. تحقیقات آینده: تحقیقات آینده باید بر بررسی نتایج بلندمدت روان‌شناختی، اجتماعی و عاطفی کودکان فرزندخوانده در ایران متمرکز باشد. همچنین، این تحقیقات باید دیدگاه‌های پدرها، زنان مجرد فرزندپذیر، سایر اعضای خانواده و کودکان فرزندخوانده را بررسی کنند تا پویایی‌های خانوادگی در فرآیند سرپرستی بهتر درک شود. مطالعات طولی می‌تواند داده‌های ارزشمندی برای شناسایی مداخلات مؤثر برای بهبود نتایج سرپرستی ارائه دهد.

یافته‌های این مطالعه بینش‌های ارزشمندی در مورد تجربیات خانواده‌های فرزندپذیر ایرانی ارائه می‌دهد، اما باید به چندین محدودیت اشاره کرد. اندازه نمونه کوچک این مطالعه قابلیت تعمیم نتایج را محدود می‌کند و پژوهش‌های آینده باید شامل یک نمونه بزرگ‌تر و متنوع‌تر از شرکت‌کنندگان، از جمله پدران و کودکان باشد. علاوه بر این، تحقیقات طولی برای بررسی چگونگی تکامل چالش‌های رفتاری و دلبستگی در طول زمان، به‌ویژه در ارتباط با انگ‌های اجتماعی و سیستم‌های حمایتی، مورد نیاز است [۵۱،۵۲].

مطالعات آینده همچنین باید به بررسی نقش‌های جنسیتی در والدگری فرزندخواندگی بپردازند، چرا که این مطالعه تنها بر مادران تمرکز داشت. این مطالعه به چالش‌های رفتاری قابل‌توجهی که کودکان فرزندخوانده در خانواده‌های ایرانی با آن مواجه هستند، به‌ویژه اختلالات دلبستگی، بی‌نظمی عاطفی و تأخیرهای رشدی، پرداخته است که اغلب ریشه در آسیب های روانی اولیه و بی‌توجهی‌های دوران کودکی دارند. این چالش‌ها با انگ اجتماعی پیرامون فرزندخواندگی در ایران، جایی که پنهان‌کاری در مورد وضعیت فرزندخواندگی رایج است، تشدید می‌شوند. فشار برای مخفی نگه‌داشتن فرزندخواندگی در خانواده‌ها، مانع از برقراری ارتباط باز شده و تشکیل دلبستگی‌های ایمن را مختل می‌کند که این امر تأثیرات منفی بر هر دو گروه کودکان و والدین دارد. بنابراین، متخصصان سلامت روان باید در مراقبت‌های مبتنی بر آسیب های روانی اولیه و نظریه دلبستگی آموزش ببینند تا بتوانند از این خانواده‌ها به نحو بهتری حمایت کنند. خدمات پس از فرزندخواندگی، از جمله مشاوره، گروه‌های حمایتی و کارگاه‌های والدگری نیز در کمک به خانواده‌های فرزندپذیر برای عبور از این پیچیدگی‌های عاطفی حیاتی است. پویش‌های آگاهی‌بخشی عمومی که با هدف کاهش انگ اجتماعی، ترویج ارتباط باز و عادی‌سازی فرزندخواندگی طراحی شده‌اند، می‌توانند محیطی حمایتی‌تر ایجاد کنند و به خانواده‌ها اجازه دهند که بهتر با این چالش‌ها مقابله کنند.

سهم نویسندگان

مهدی عنبری: طراحی مطالعه، مصاحبه، تحلیل داده ها و نگارش مقاله
محد نذری بن عبدالرحمن: طراحی مطالعه و نظارت علمی

تشکر و قدردانی

نویسندگان این مقاله بر خود لازم می‌دانند از تمام افرادی که در انجام این پژوهش ما را یاری کرده‌اند، خصوصاً مادران فرزندپذیر که با عشق و ازخودگذشتگی بی‌نظیر خود، نه تنها خانه‌ای امن بلکه قلبی پر از محبت برای کودکانشان فراهم کرده‌اند و الهام‌بخش این پژوهش بوده‌اند، تشکر و قدردانی نمایند.

منابع

1. United Nations. Convention on the Rights of the Child. Available from: https://www.unicef.org/child-rights-convention. Accessed: October 12, 2024
2. Hague Conference on Private International Law. Hague Convention on Protection of Children and Co-operation in Respect of Intercountry Adoption. Available from: https://www.hcch.net/en/instruments/conventions/full-text/?cid=69. Accessed: October 12, 2024

[Downloaded from payeshjournal.ir on 2026-11-17]
[DOI: 10.61186/payesh.24.1.81]

3. Mohd MA, Kadir RA. Islamic perspectives on adoption: Kafala in the Islamic law of adoption. International Journal of Law, Policy and the Family 2012;26:329-46
4. Alavi S. Adoption under Islamic Law: The cultural and legal framework of Kafala in Muslim countries. Journal of Islamic Family Studies 2007;3:15-24
5. Mehrabi S, Jafari E. Adoption laws and reforms in Iran: An analysis. Middle East Family Studies Review 2019;15:44-58
6. Bokaie M, Mohammadi A, Zadeh S. An overview of adoption laws in Iran. Iranian Journal of Family Law 2012;10:87-98
7. Juffer F, van IJzendoorn MH. Adoptees' emotional regulation and behavioral adjustment: A review. Development and Psychopathology 2005;17:93-116
8. Gharibi R. Behavioral challenges of Iranian adoptees: A comparative study. Journal of Clinical Psychology Iran 2018;6:123-9
9. Razeghi S, Tabrizi M. Social stigma and its impact on attachment in Iranian adoptive families. Iranian Journal of Social Psychology 2016;22:43-56
10. Ghorashi H. Secrecy and adoption in Iranian families: The cultural context. International Journal of Psychology and Family 2015;17:59-76
11. Pinderhughes EE, Brodzinsky DM. Adoptees' behavioral challenges: A cross-cultural analysis. Adoption Quarterly 2019;22:15-32
12. Liu M. Psychological struggles of adoptive parents: A comparative study between East and West. Family Psychology Journal 2019;28:37-54
13. Esfandiari S, Faramarzi L. Challenges in post-adoption support for Iranian families. Journal of Mental Health Iran 2020;11:67-80
14. Pace C, Zavattini GC. The role of attachment in adoption: A comprehensive review. International Journal of Psychology 2020;55:246-53
15. McConnachie L, Goodman S, O'Connor TG. Adoptees' developmental delays: Implications for family support systems. Clinical Child Psychology and Psychiatry 2020;25:688-700
16. Gunnar MR, Reid BM. Early deprivation and institutional care: The Budapest study. Child Development Perspectives 2019;13:45-50
17. Bowlby J. Attachment and Loss. Vol. 1. 1st Edition, Basic Books: New York, 1969
18. Ainsworth MDS, Blehar MC, Waters E, Wall S. Patterns of Attachment: A Psychological Study of the Strange Situation. 1st Edition, Erlbaum: Hillsdale, 1978
19. Feeney JA, Passmore NL. Attachment, trauma, and adoption: A review of literature. Trauma Care for Children 2020;5:89-101
20. Shirazi A. Cultural and social dynamics of adoption in Iran. Middle East Family Studies Journal 2018;14:67-83
21. Smith JA, Flowers P, Larkin M. Interpretative Phenomenological Analysis: Theory, Method and Research. 1st Edition, Sage Publications: London, 2009
22. Giorgi A. The Descriptive Phenomenological Method in Psychology: A Modified Husserlian Approach. 1st Edition, Duquesne University Press: Pittsburgh, 2009
23. Patton MQ. Qualitative Research & Evaluation Methods. 4th Edition, Sage Publications: Thousand Oaks, CA, 2015
24. Braun V, Clarke V. Using thematic analysis in psychology. Qualitative Research in Psychology 2006;3:77-101
25. American Psychological Association. Ethical principles of psychologists and code of conduct. Available from: http://www.apa.org/ethics/code/ethics-code-2017.pdf. Accessed: October 12, 2024
26. Larkin M, Watts S, Clifton E. Interpretative phenomenological analysis: A method for understanding the experience of human life. Journal of Health Psychology 2006;11:299-320
27. Van der Kolk B. The Body Keeps the Score: Brain, Mind, and Body in the Healing of Trauma. 1st Edition, Penguin Books: New York, 2015
28. Lieberman AF, Van Horn P. Don't Hit My Mommy! A Manual for Child-Parent Psychotherapy. 2th Edition, Zero to Three: Washington, DC, 2011
29. Zeanah CH, Berlin LJ, Boris NW. Practitioner review: Clinical applications of attachment theory and research for infants and young children. Journal of Child Psychology and Psychiatry 2011;52:819-33
30. Greenberg MT. Attachment and psychopathology in childhood. In: Cassidy J, Shaver PR, editors. Handbook of Attachment. 2th Edition, Guilford Press: New York, 2008
31. Feldman R. Parenting behavior as an organizer of development: Biology and culture. Perspectives on Psychological Science 2016;11:569-97
32. Perry BD, Szalavitz M. The Boy Who Was Raised as a Dog: And Other Stories from a Child

[Downloaded from payeshjournal.ir on 2026-11-17]
[DOI: 10.61186/payesh.24.1.81]

Psychiatrist's Notebook. 1st Edition, Basic Books: New York, 2017
33. Kaufman J, Plotsky PM, Nemeroff CB, Charney DS. Effects of early adverse experiences on brain structure and function: Clinical implications. Biological Psychiatry 2000;48:778-90
34. Dozier M, Zeanah CH, Bernard K. Infants and toddlers in foster care. Child Development Perspectives 2013;7:166-71
35. Cassidy J, Shaver PR. Handbook of Attachment: Theory, Research, and Clinical Applications. 3rd Edition, Guilford Press: New York, 2016
36. Howe D. Patterns of Adoption: Nature, Nurture, and Psychosocial Development. 1st Edition, Wiley: Chichester, 1998
37. McCrory E, De Brito SA, Viding E. The impact of childhood maltreatment: A review of neurobiological and genetic factors. Frontiers in Psychiatry 2011;2:48
38. Siegel DJ. The Developing Mind: How Relationships and the Brain Interact to Shape Who We Are. 2th Edition, Guilford Press: New York, 2012
39. Cicchetti D, Toth SL, Rogosch FA. The development of psychological well-being in maltreated children. Development and Psychopathology 2008;20:1081-94
40. Lyons-Ruth K, Bronfman E, Atwood G. A relational diathesis model of hostile-helpless states of mind. In: Solomon J, George C, editors. Attachment Disorganization: Clinical and Developmental Perspectives. 1st Edition, Guilford Press: New York, 1999
41. Rutter M. Genetic influences on risk and resilience. Mental Retardation and Developmental Disabilities Research Reviews 2006;8:34-40
42. Steele H, Steele M. Early attachment predicts emotion recognition at 6 and 11 years old. Attachment and Human Behavior 2005;30:1097-112
43. van IJzendoorn MH, Bakermans-Kranenburg MJ. Attachment disorganization: Genetic factors, parenting contexts, and developmental transformation from infancy to adulthood. Review of General Psychology 2016;20:62-75
44. Thompson RA. The Development of the Person: The Minnesota Study of Risk and Adaptation from Birth to Adulthood. 1st Edition, Guilford Press: New York, 2005
45. Dozier M, Albus KE, Fisher PA. Enhancing infant attachment: Interventions to support foster and adoptive parents. Development and Psychopathology 2002;14:843-60
46. Zeanah CH, Smyke AT, Koga SF, Carlson E. Attachment in institutionalized and community children in Romania. Child Development 2005;76:1015-28
47. Sroufe LA. The Development of the Person: The Minnesota Study of Risk and Adaptation from Birth to Adulthood. 1st Edition, Guilford Press: New York, 2005
48. Cicchetti D, Rogosch FA, Toth SL. The effects of child maltreatment on the development of emotion regulation. Development and Psychopathology 1997;9:5-28
49. Shonkoff JP, Phillips DA. From Neurons to Neighborhoods: The Science of Early Childhood Development. 1st Edition, National Academies Press: Washington, DC, 2000
50. Siegel DJ, Hartzell M. Parenting from the Inside Out: How a Deeper Self-Understanding Can Help You Raise Children Who Thrive. 1st Edition, TarcherPerigee: New York, 2013
51. Fonagy P, Gergely G, Jurist EL, Target M. Affect Regulation, Mentalization, and the Development of the Self. 1st Edition, Other Press: New York, 2002
52. Anbari M, Abdul Rahman MN. The Adoptees' Behavioral Challenges in Adaptive Families: a systematic review. Payesh 2024;23:737-750[Persian]

[Downloaded from payeshjournal.ir on 2026-11-17]

[DOI: 10.61186/payesh.24.1.81]